

بررسی نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصه اقتصادی در ایران مقارن ظهور اسلام

Seiyed_ha@yahoo.com

سیدحامد نیازی / کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

پذیرش: ۹۸/۵/۲۵

دریافت: ۹۸/۲/۳۱

چکیده

جهان مقارن ظهور اسلام در حوزه‌های مختلف دچار دگردیسی معرفتی و ساختاری بود. حاکمیت فرهنگ جاهلی با تأکید مصداقی قرآن کریم (آل عمران: ۵۴؛ مائده: ۵۰؛ احزاب: ۳۳؛ فتح: ۳۶)، در شبه جزیره عربستان رواج داشت. با توجه به گزارش‌های تاریخی و اینکه شأن نزول آیات، مخصص مفادش نیست؛ آیا فرهنگ مذکور، در سطح جهانی (مقارن ظهور اسلام) خاصه ایران فعال بود؟ اگر پاسخ مثبت است، در عرصه اقتصادی چگونه بوده است؟ تحقیق پیش‌رو به صورت کتابخانه‌ای و با روش تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی، با هدف کشف حقیقت تاریخی در حوزه مذکور، به بررسی آن پرداخته است. برون‌داد بررسی توصیفی - تحلیلی داده‌های تاریخی ایران در بُعد اقتصادی، حاکی از غلبه مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی است که با طراحی ساسانیان مدیریت و هدایت می‌شد. از آنجاکه بدنه اجتماعی مردم، از فشارهای سخت در حوزه‌های مختلف، خاصه حوزه اقتصادی به ستوه آمده بود، پس از آشنایی با دین اسلام، با آغوش باز از آن استقبال کرد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ جاهلی، وضعیت اقتصادی، ایران، ظهور اسلام.

مقدمه

ابعاد حیات اجتماعی بشر به تناسب معرفت‌ها و روش‌ها، در حوزه‌های ارزشی، گرایشی و رفتاری گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، متفاوت است، اقتصاد از جمله ابعاد مذکور است که در حوزه‌های ارزشی، گرایشی و رفتاری، برد ملی، منطقه‌ای و جهانی دارد.

به تناسب معرفت‌ها، فرهنگ به دو قسم، فرهنگ مبتنی بر عقلانیت و فرهنگ مبتنی بر جاهلیت، تقسیم می‌شود (نیازی، ۱۳۹۷، ص ۵۸). تحقیق پیش‌رو سعی دارد تا مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی در بُعد اقتصادی در ایران مقارن ظهور اسلام را مورد تحلیل تاریخی و فراتاریخی قرار دهد. لذا برد تحلیل شناختی گزاره‌های مذکور در حوزه ملی مورد ارزیابی قرار گرفته و برون‌داد آن بیان شده است.

در ایران عهد ساسانی تا زمان ورود اسلام، علاوه بر تقسیم جامعه به دو طبقه حاکم و غیرحاکم (ساسان‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵)، با تأکید بر تسطح خونی (سطح‌بندی کردن مردم با معیار نژاد و خون)، نظام طبقاتی (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ هوار، ۱۳۶۳، ص ۱۴۱-۱۴۵) بر جامعه حکمفرما بود. رویکرد مذکور بر پایه نظم نوین قبیله‌ای تکوین یافته بود. عدم اجازه ارتقای افراد از طبقه پایین به طبقه بالا (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۳۶۲) در همه حوزه‌ها از جمله اقتصادی و سرایت مجازات‌ها از فرد به خانواده (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹) در کنار ترویج پایگاه انتسابی در حوزه مدیریت‌های کلان، برخی از رویکردها و پیامدهای نابرابری رسمی در قشربندی اجتماعی ایران مقارن ظهور اسلام بود. موارد مذکور در کنار دیگر مؤلفه‌های نامعقول در بُعد اقتصادی به صورت شرعی و قانونی، تعلیم، ترویج و گسترش می‌یافت.

نگاه به مردم به عنوان منبع درآمد، از سوی ساسانیان، موجب فقر و پریشانی (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲) بیشتر مردم ایران شده بود. در کنار تعداد بسیار زیاد بردگان در ایران (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱)، وسعت فشارهای اقتصادی ناشی از قشربندی جاهلی، مانع ازدواج طبقات فرودست گردیده بود (رضی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۸۷). لذا در برهه‌ای، نهضت مزدک به منزله عکس‌العمل بردگان و نیمه‌بردگان (روستاییان) به نابرابری رسمی و قانونی، در پایان قرن پنجم و اوایل قرن ششم

میلادی شکل گرفت که در نهایت در نبرد مذکور، ساسانیان پیروز شدند (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۳۶۳-۳۶۴). در این دوره بود که فقر مطلق و محرومیت بدنه اجتماعی ایران به امری عادی بدل شد (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴) و مردم برای به دست آوردن تکه نانی به شورش‌ها علیه حاکمیت می‌پیوستند (ساسان‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵) با ظهور اسلام و ورود آن به ایران، مردم در پیچه نجاتی برای خود پیدا کردند (زرین‌کوب، ۱۳۹۲، ص ۵۳۵)، لذا به سرعت مسلمان شدند.

تحقیقات توصیفی مثبت در حوزه ایران مقارن ظهور اسلام انجام شده که به صورت پراکنده، برخی مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی در ایران مقارن ظهور اسلام در بعد اقتصادی را منعکس ساخته است. لیکن تحقیقی دقیق، کامل و جامع در حوزه مذکور یافت نشد. برخی از تحقیقات مذکور عبارتند از: *جهان در عصر بعثت* (باهنر و هاشمی، بی‌تا)؛ *روزگاران ایران* (زرین‌کوب، ۱۳۷۵)؛ *ایران قدیم* (پیرنیا، ۱۳۹۳)؛ *کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام* (بیات، ۱۳۶۸)؛ *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه* (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۷۰)؛ *میراث باستانی ایران* (فرای، ۱۳۶۸)؛ *ایران در زمان ساسانیان* (کریستن سن، ۱۳۸۷)؛ *ایران آیین و فرهنگ* (افتخارزاده، ۱۳۷۷). همان‌طور که بیان شد، تحقیقات مذکور، به صورت پراکنده گزارش‌های محدودی را در حوزه اقتصادی بیان کردند. لذا وجه تمایز تحقیق پیش‌رو، با تحقیقات مذکور نگاه جامع به آن مسئله است.

مفهوم‌شناسی تحقیق

جاهلیت، جهل در کتب لغت و دیگر کتب به معنای عدم العلم (ابن‌منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۹۰)، نادان شدن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۶۹۶۴) نادان بودن (همان) مقابل علم و مقابل علم کامل (تاج‌الدینی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶) آمده است. با توجه به اینکه جایگاه عقل در حیات اجتماعی انسان، از یک سو، تأسیسی، و از سوی دیگر ارشادی است؛ معنای مقبول از واژه «جاهلیت» در تحقیق پیش‌رو عبارت است از، هر نوع باور، ارزش و رفتار که منطبق با عقلانیت و فطرت نباشد و با علم و آگاهی در تضاد باشد، در سه حوزه باورشناختی، ارزش‌شناختی و رفتارشناختی، جاهلیت نامیده می‌شود.

اشیای گرانبها غنی سازند (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷). رویکرد آنها و تلاش آنها، تجملات و اشرافی‌گری بود (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۶۷؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷). کثرت ثروت‌اندوزی ساسانیان، به فقر مطلق اکثریت جامعه منجر شد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). آنها اموال نامشروع خود را با حيله، زور، خشونت و قساوت از چنگ صاحبان اصلی بیرون می‌آوردند که برخی اوقات، عظیم، بی‌قیاس و باورنکردنی بود (همان، ص ۲۷۲). رویکرد مذکور منجر به فساد دستگاه‌ها و کارگزاران دربار و تشتت و اختلافات گسترده در ایران گردید (بیات، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰). در مواقعی، حتی اموال کارگران رومی شاغل در ایران را مصادره می‌کردند (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵). بیگانگانی که برای نخستین بار فرصت مشاهده آنها را می‌یافتند به اعجاب و یا تمسخر به آن می‌نگریستند (بارتلومه، ۱۳۳۷، ص ۳۳). لذا اوج ولنگاری و هرزه‌پذیری اقتصادی در ایران مقارن ظهور اسلام، توسط ساسانیان تکوین یافت (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۲).

۱-۱. بودجه کشور

هزینه‌های ساسانیان به مخارج دربار (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶) (شامل عیاشی‌ها، شکارها، حرم‌سراها، ساخت قصرها و بناهای تجملاتی وسیع، تزئینات و لوازم زینتی)، مخارج جنگ‌ها (که ناشی از جنگ‌طلبی و وسعت‌افزونی‌های ساسانیان بود) و حقوق مستخدمان، ادارات و قشون تقسیم می‌شد (همان). یکی از مخارج دربار، طراحی، تهیه قطعات لازم و ساخت تاج پادشاهی (از نمادهای سلطنت) (نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۴-۳۶) بود. هر پادشاه، تاج مخصوص به خود را داشت (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۶۷) که متفاوت از تاج دیگران بود (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴-۱۲۶). با دقت در تقسیم بودجه کشور، رویکرد اقتصادی ساسانیان نسبت به آبادانی کشور، کمک و حمایت از بدنه مردم آشکار می‌شود. لذا نظریه اقتصادی جاهلی در ایران مقارن ظهور اسلام به عنوان راهبردی بنیادین از سوی ساسانیان، تئوریزه و عملیاتی شد.

امیال شخصی و جاهلی در مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر دربار ساسانیان حکمفرما بود. خسرو/نوشیروان روحیه جنگ‌طلبی و اشغالگری را در کنار هوس‌رانی، در خود جمع کرده بود. اشغال انطاکیه از آن جمله بود (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۳؛ طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۹). در راستای جاهلیت اقتصادی، وی که از

پایگاه (Status)؛ به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند (کوئن، ۱۳۸۳، ص ۸۳). پایگاه به دو قسم انتسابی و اکتسابی تقسیم می‌شود؛ پایگاه انتسابی از آغاز تولد به فرد محول شده، ولی پایگاه اکتسابی بر اساس تلاش و کاری که فرد از خود بروز داده شکل می‌گیرد (همان، ص ۸۴).

طبقه اجتماعی (Social class)؛ به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب و معاشرت، با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد (همان، ص ۲۳۹).

قشربندی اجتماعی (Social stratification)؛ نظام قشربندی اجتماعی، افراد را با توجه به امتیازاتشان رتبه‌بندی می‌کند و آنان را در آن طبقه اجتماعی که با این امتیازات متناسب است جای می‌دهد (همان، ص ۲۴۰). قوم‌مداری طبقاتی؛ اعضای هر طبقه اجتماعی، اعضای طبقات اجتماعی دیگر را پایین‌تر از خود می‌پندارند (همان، ص ۲۴۹).

نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصه اقتصادی

توده مردم ایران مقارن ظهور اسلام از عناصر جاهلی در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی، در فشار بودند. اجتماعی‌شدن ثروت‌اندوزی ساسانیان، تجمل‌گرایی آنها، ایجاد نظم نوین قبیله‌ای و تسطح‌خونی در حوزه اقتصادی، مخارج سرسام‌آور دربار ساسانی، ظلم مالیاتی، هزینه‌های سنگین جنگ‌های خودساخته، فقر اجتماعی و عدم استفاده از جایگاه ژئواکونومیکی ایران در کنار انحطاط صنایع از نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصه اقتصادی است که با مدیریت ساسانیان بر مردم تحمیل، و به صورت هنجار در جامعه تبلیغ می‌شد. در ادامه، مهم‌ترین نمودهای مذکور مورد بررسی تاریخی قرار گرفته است.

۱. اجتماعی‌شدن ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی حداکثری و نامعقول ساسانیان

تجمل‌گرایی ساسانیان ضرب‌المثل عهد قدیم بود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۷۶؛ پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷). ساسانیان، خزانه کشور را خزانه خانوادگی و شخصی خود می‌دانستند (باهنر و هاشمی، بی‌تا، ص ۳۶-۳۷) و عادت داشتند تا می‌توانند گنج خود را از زر و

انطاکیه خوشش آمده بود، شهری مانند آن در ایران ساخت که هیچ تفاوتی با آن نمی‌کرد، و وقتی اسرای شهر انطاکیه وارد شهر جدید شدند، چیزی متفاوت با شهر واقعی خود نیافتند (همان).
 هزینه انحرافات ساسانیان در حوزه اقتصادی و هرزه‌پذیری آنها، نه از جیب خودشان، که از تجمیع مالیات‌های ظالمانه‌ای بود که سالیانه سه بار از بدنه مردم، و نه از طبقات مرفه، اخذ می‌شد (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۰۲).
 از سوی دیگر، منتقدان رویه مذکور، از سوی ساسانیان به بدترین نوع ممکن به قتل می‌رسیدند (همان). موارد مذکور زمینه‌ساز بحران اقتصادی در ایران مقارن ظهور اسلام بود (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴).

۱-۲. خسروان و اوج دگرباشی اقتصادی

ساسانیان، رویکردی ظالمانه در حوزه‌های اقتصادی علیه مردم ایران داشتند. برخی از پادشاهان ساسانی، گوی سبقت را از دیگر پادشاهان ساسانی، که غالباً مقارن و معاصر ظهور اسلام می‌زیستند، ربوده بودند. خسرو اول و خسرو دوم از مهم‌ترین آنها بودند که دوره خسروانی را ساختند.

خسرو اول در کنار هزینه بالای جنگ‌ها که بر مردم تحمیل می‌کرد (مفتخری، ۱۳۸۱، ص ۸۸) در حوزه تحمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی به صورت حداکثری فعالیت داشت. گرایش به تجمعات و لذات زودگذر، شوقش در جمع‌آوری اشیای نادر در خزانه را نشان می‌دهد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱-۲۷۲). در دوره وی به تناسب رشد سپاهی‌گری و دیوانسالاری، هزینه‌های دربار نیز افزایش یافت (مفتخری، ۱۳۸۱، ص ۸۸). تاج و گرز دو نماد سلطنت بودند (نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۴-۳۶) که نمایانگر تجمعات و خشونت ساسانیان تلقی می‌شود. تاج پادشاهی خسرو اول به قدری سنگین بود که وی نمی‌توانست روی سرش بگذارد؛ لذا با زنجیر طلا به سقف کسری وصل شده بود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۸۹). تاج خسرو دوم همانند تاج خسرو اول، به دلیل سنگینی با زنجیر طلا به صورتی که زیر صندلی پادشاه، قرار گیرد، به سقف کسری وصل شده بود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۷۰-۴۷۱). کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۶۷ همو، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶-۱۲۴؛ نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۴-۳۶). تاج وی ظرفی بود مملو از یاقوت و زمرد و مروارید و طلا و نقره که هر زمان روی صندلی می‌نشست، سر خود را داخل آن می‌کرد (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۴۱؛ زرین کوب، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹-۲۴۰).

پادشاهی خسرو دوم معاصر با حیات و بعثت پیامبر اکرم ﷺ بود (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۱۳ و ۲۸۹). وی در کنار روح لذت‌جو و تحمل پرستش (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱-۲۷۲)، همانند خسرو اول، فردی زردوست و مال‌پرست (همان، ص ۲۷۷) و بیش از دیگران، به ظروف و جواهر دلبسته بود (همان، ص ۲۷۱-۲۷۲). در تمام زندگی خود به فکر جمع‌آوری و تصرف گنج و افزایش ذخایر مالی خویش بود (همان، ص ۲۷۷)، لذا به جای خدمت به مردم ایران، به تجمیع گنج‌ها و ظروف قیمتی در کنار جمع‌آوری درهم و دینار که مسکوکات آن دوره بود (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۶۷) اقدام می‌کرد. ظروف بدیع، اثاثیه نفیس، لباس‌های فاخر و فرش‌های مجلل، قسمتی از تجمعات و عیاشی‌های ساسانیان در ایران مقارن ظهور اسلام بود (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۱۵). هزینه‌های سرسام‌آور در حوزه منجمان و جادوگران، خسرو دوم را بی‌همتا کرده بود. همیشه در ایوانش ۳۶۰ کاهن، جادوگر و منجم حضور داشت (طبری، ۱۳۶۲، ص ۷۴۱). خسرو دوم، با بیشترین خشونت و قساوت، حيله و زور نسبت به دیگر شاهان ساسانی اخذ اموال از مردم را انجام می‌داد. عمل وی در حوزه مذکور، عظیم، بی‌قیاس و بارو نکرده بود (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۲). مالیات‌های سنگین و مکرر، توسط وی از عامه مردم گرفته می‌شد (همان). درآمد ثابت سالیانه دولت او ۲۴۰ میلیون درهم بود (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۶)؛ از این رو، در دوره وی، بیشترین فشار اقتصادی بر مردم وارد آمد (همان). وی که در جنگ‌افروزی دست برتر را میان ساسانیان داشت، در کنار مال‌پرستی، مخارج جنگ را به عنوان مالیات از عامه مردم اخذ می‌کرد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷). با وجود مخارج جنگ‌های ۲۷ ساله با روم و مخارج عریض و طویل دربارش، باز هم موجودی خزانه (صندوق ذخیره) مبلغی گزاف بود که تا زمان وی به این حد نرسیده بود (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۶). اخذ اموال از مردم و عامه در کنار مصادره غنایم بزرگان (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷)، از ویژگی‌های دوره اوست؛ حتی در اموال مردم مستضعف هم طمع می‌کرد (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۶۵). وی اموال مردم را به ناحق همانند پادشاهان قبلی، البته به صورت زیاده‌تر، تصاحب می‌کرد (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۵)؛ تا جایی که زندگی طبقات پایین جامعه که مالیات می‌پرداختند به تباهی رفت و معاششان مختل شد (همان). در اصطبل وی پنجاه هزار حیوان بود و به تعداد اسبان

هفت دودمان (قبیله) قرار داشت، این مشاغل در دودمان آنها موروثی بود و کسی غیر از دودمان آنها حق تصرف آن مشاغل را نداشت. یکی از قبایل هفت‌گانه ارتبیدس نام داشت (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹-۱۲۰). دودمان مذکور، دارای امتیاز شاهی و عهده‌دار نهادن تاج بر سر شاهنشاه بود، خانواده دیگر، نظارت امور لشکری را متکفل بود و خانواده دیگر مسئولیت کارهای کشوری را عهده‌دار، یکی از هفت قبیله، متولی حکمیت در حق اشخاص بود. خانواده پنجم فرمانده سواره نظام و خانواده ششم مأمور وصول مالیات رعیت و حفظ خزانه ساسانیان بود، خانواده هفتم هم مراقب اسلحه و مهمات لشکر ساسانیان (همان). لذا به جای تأکید بر توانایی اشخاص و مهارت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، دومان و قبیله، معیار بود.

تسطح خونی، مهم‌ترین عامل در نظم نوین طبقاتی ساسانیان است. پیامدهای رویکرد طبقاتی در حوزه مشاغل مهم، عبارت است از: نخبه‌سوزی در حوزه مدیریتی، رکود علمی و اقتصادی گسترده در ایران، ارتقای منفی تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی، شکل‌گیری شکاف طبقاتی وسیع میان فقیر و غنی، ایجاد جنگ‌های دائمی میان ساسانیان برای کسب قدرت (که برای مردم ایران به امری عادی و روزانه مبدل شده بود) و عدم استفاده بهینه ساسانیان از ظرفیت‌های ساختاری و معرفتی اقتصادی نظیر جاده ابریشم. مشاغل مهم موروثی، در حالی در ایران مقارن ظهور اسلام به صورت هنجار از سوی ساسانیان تبلیغ و ترویج می‌شد که مردم طبقه‌های پایین و اسرا، در انتخاب شغل خود اختیار و آزادی عمل نداشتند (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸۱؛ پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷؛ پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۴-۲۴۱؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷-۱۳۸).

مهاجرت اجباری مردم و اسرا، توسط حاکمیت و اجبار به انجام شغل واحد توسط مردم از پیامدهای متوسط رویکرد طبقاتی ساسانیان در اقتصاد بود. شاپور دوم در نیمه دوم قرن چهار میلادی، بعد از تصرف آمد (دیاربکر)، مردم آنجا را به شوش و شهرهای دیگر کوچاند و به زربافی و بافتن پارچه‌های ابریشمی وادار کرد (همان). لذا عمل بیرحمانه مذکور در کنار مشاغل موروثی، دو روی سکه بودند که فشارهای اقتصادی سهمگین بر مردم ایران تحمیل می‌کرد.

۳. هزینه‌ها و مخارج دربار

هزینه‌های دربار ساسانیان بسیار سنگین بود. مخارج از طریق

سواری، زین‌های طلائی وجود داشت که مروارید و جواهرنشان بود؛ نیز هزار فیل، که یکی سفیدتر از برف بود (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۳؛ مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۳۰؛ طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۶۶). در کنار جمع‌آوری نامعقول گنج‌ها، اموال و دارایی‌های مردم فقیر و مستضعف ایران، به ساخت بناهایی اقدام کرد که هزینه‌های آن را به علت گستردگی کسی نمی‌دانست. ایوان کسرای خسرو دوم، بنایی بود که کسی مانند آن را ندیده بود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۴۱). همچنین اصرار سه‌باره‌اش بر ساخت بند دجله بر دوش مردم مستضعف و فقیر ایرانی سنگینی می‌کرد. وی مبالغ بسیاری در مدت هشت ماه برای ساخت بند دجله هزینه کرد، که هیچ‌کس مقدار آن را به دلیل گستردگی نمی‌دانست، سد مذکور بعد از بعثت پیامبر اکرم ﷺ تخریب شد (همان، ص ۷۴۵). لذا وی اقدام به ساخت دوباره آن کرد و با صرف هزینه‌های گزاف به مدت هشت ماه آن را دوباره بازسازی کرد، لیکن دوباره تخریب شد، و وی برای بار سوم اقدام به بازسازی آن کرد و همانند قبل، با هزینه‌ای که کسی مقدار آن را نمی‌دانست، در مدت هشت ماه آن را ساخت که مجدداً تخریب شد، و در نهایت از ساخت آن منصرف شد (همان).

گسترش راحت‌طلبی و خلق و خوی زنان، در بین طبقات جنگجو و انتشار روحیه حرص و علاقه به مال میان (درباریان و) موبدان، از پیامدهای دگرگونی خسروان بود (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۷). خسرو دوم به سبب کثرت ثروت و تصرف ولایات، حریص شد و در اموال مردم طمع دوخت؛ لذا فردی ستمگر و شکنجه‌گر را مسئول خراج کرد؛ در نتیجه، اموال مردم توسط دربار ساسانی بیشتر از گذشته به ناحق گرفته شد. عمل مذکور باعث شد زندگی اقشار پایین جامعه نابود شود. مال‌اندوزی خسرو دوم، به قدری وسیع بود که باعث شد رتبه اول را میان ساسانیان کسب کند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۶۵-۷۶۶).

۲. نظم نوین قبیله‌ای و تسطح خونی

پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد در گروه اجتماعی به دو قسم انتسابی و اکتسابی تقسیم می‌شود. در ایران آن دوره مناصب مهم کشوری و لشکری به صورت پایگاه انتسابی، و نه اکتسابی، تعریف شده بود. لذا مشاغل حساس و مهم، موروثی بود، که از آن می‌توان به نظم نوین قبیله‌ای تعبیر کرد. مهم‌ترین مشاغل و بالاترین شغل‌ها در اختیار

در هیچ ناحیه شهری نیست که او را ده پاره و هفت پاره ملک و ده و آسیا و کاروانسرا و گرمابه و مستغل نباشد، سی هزار چهار پاره، دویست هزار گوسفند، سی هزار استر، هزار و هفتصد غلام ترک و رومی و حبشی، چهارصد کنیز» (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸).

۴. ظلم مالیاتی

از پیامدهای نگاه طبقاتی در حوزه اقتصاد، کاهش درآمد طبقات پایین جامعه در ایران بود. در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی کشور با توجه به نظام طبقاتی تعریف شده توسط ساسانیان، رویکرد حداکثری در هزینه‌های دربار وجود داشت؛ لذا نیاز به تجمع اموال بود.

در ایران مقارن ظهور اسلام، به مردم به عنوان منبع درآمد نگریسته می‌شد (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲). لذا دریافت مالیات حداکثری از طبقات پایین جامعه (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۷۷) برای ایجاد موازنه در دخل و خرج از سوی ساسانیان، صورت می‌گرفت. حرکت مذکور در دوره خسرو دوم، پررنگ بود (همان). از این رو، مردم در فقر و پریشانی ادامه حیات می‌دادند (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲).

۴-۱. تأسیس خراج

خسرو اول، رسم خراج را بنیان نهاد و ترتیب آن را معین کرد (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۹۵). وی این کار را با استفاده از نظام مالی روم انجام داد (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۹۴). در این حوزه نیز نگاه طبقاتی ساسانیان حاکم بود، به طوری که تبعیض اقتصادی در مالیات و خراج به وضوح در قوانین مصوب دیده می‌شود. حدود سی نوع عوارض را ساسانیان به صورت اخاذی از مردم می‌گرفتند، عوارض مذکور توسط طبقات بالا از طبقات پایین اخذ می‌شد، این در حالی بود که طبقات اشراف، درباریان و روحانیون زرتشتی از پرداخت مالیات معاف بودند (باهر و هاشمی، بی تا، ص ۵۵) و فقط از توده مردم مالیات اخذ می‌شد (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۰۲؛ مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۷۷). یکی از دبیران در پاسخ به پرسش سه‌باره خسرو اول در مورد مالیات‌ها، به ظلم مالیاتی ساسانیان انتقاد مفیدی کرد که باعث قتل او به بدترین شکل از سوی وی گردید (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۰۲). رویکرد اقتصادی ساسانیان خاصه مقارن بعثت پیامبر اکرم ﷺ در حوزه‌های مختلف، از جمله مالیات‌ها، جاهلی بود، لذا منجر به نابودی مردم ایران و عدم تحمل ظلم‌های اقتصادی از سوی آنها گردید

مالیات‌های ظالمانه که از مردم اخذ می‌شد، تأمین می‌گردید، لذا معرفت جاهلی در حوزه مذکور در حاکمیت ساسانی بر ایران سایه افکنده بود. در ادامه به مهم‌ترین محورهای مدنظر اشاره می‌شود.

در موقع جلوس هر پادشاه ساسانی، همه مسکوکات گذاخته می‌شد و با تصویر و نام پادشاه جدید ضرب می‌گردید (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰؛ پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱-۲۵۶؛ مشکور، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷؛ زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۰۴؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷). هزینه تجمع سکه‌های «درهم و دینار» (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۶۷) از سراسر ایران قدیم، گذاختن و ذوب کردن آنها به همراه مسکوکات خزانه، انتشار آنها، گویای هزینه‌های سرسام‌آوری است که بر گرده مردم از سوی ساسانیان، تحمیل می‌شد. این همه در کنار مدت زمان صرف شده برای تجمع مسکوکات از سراسر ایران قدیم بود که نشان از نگاه نامعقول ساسانیان در بُعد اقتصادی دارد. حتی اسنادی که در گنج‌ها ضبط بود به نام پادشاه جدید رونویس می‌شد (همان، ص ۱۳۷).

در حوزه پوشاک، پادشاهان ساسانی بسیار تجمل‌گرا و پرهزینه بودند. تن‌پوش‌های آنها خیره‌کننده بود (هوار، ۱۳۶۳، ص ۱۴۵). تباری پادشاه زرین و آراسته به گوهرهای گرانبها و یاقوت‌های نشانداده بود، با رشته‌های دور تا دور تبار را می‌آراستند. تباری میان پادشاهان ساسانی متفاوت بود، شلوار پادشاه زربفت و بسیار گرانبها بود (همان). بذل و بخشش‌های نامعقول از بیت‌المال به تملق‌گویان و دیگران توسط ساسانیان در ایران مقارن ظهور اسلام به امری عادی مبدل شده بود. لذا اگر فردی نزد ساسانیان سخنی می‌گفت که آنها از آن خوششان می‌آمد، هزار درهم به او می‌دادند (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱-۱۴۲). رویکرد تجمل‌گرایی حداکثری ساسانیان در کنار ثروت‌اندوزی بی‌حد و حصر آنها، از جمله عوامل کوتاه شدن مدت زمان حکومت آنها بود؛ به طوری که «اکثریت آنها کمتر از ده سال حکومت کردند و در طول چهار سال معاصر اسلام (۶۲۸-۶۳۲م) بیش از دوازده پادشاه بر تخت سلطنت تکیه زدند که عمر برخی از آنها چند روزی بیش نبود» (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۶۵؛ مفتخری، ۱۳۸۱، ص ۸۳).

کارگزاران ساسانیان همانند بزرگان خود، غرق در تجملات و کسب ثروت‌های نامشروع بودند. دارایی یکی از والیان ساسانیان (در نیمه دوم قرن شش میلادی) عبارت بود از: «دو هزار هزار دینار، سیصد هزار هزار زرینه و سیمینه، پانصد هزار هزار جواهر، در خراسان و عراق و آذربایجان

عید نوروز و عید مهرگان (کریستین سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶). این هدایا به صورت اجباری و جبراً اخذ می‌شد (همان). فشارهای مالیاتی باعث شد با ورود سپاه جزیره به ایران، طبقه اصناف و کارگر با روی باز از آن استقبال کنند (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴).

۴-۳ فقر و فلاکت مردم ایران، پیامد مالیات‌های سنگین ساسانیان

کثرت ثروت‌اندوزی ساسانیان (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴)، نگاه به مردم به عنوان منبع درآمد (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲)، و ظلم مالیاتی شدید، منجر به بروز فقر و فلاکت (همان)، و در مواردی منجر به فقر مطلق مردم ایران مقارن ظهور اسلام شد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). به طوری که به سمت درهم و دینارها هجوم می‌آوردند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۹۰). از این رو، مردم هلاک و نابود گشتند، تا جایی که کنیزکی را به دره می‌فروختند (قمی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۴). در چنین شرایطی، ظلم و ستم چنان تحمل‌ناپذیر شده بود که کشاورزان غالباً از کشور می‌گریختند (مفتخری، ۱۳۸۱، ص ۸۷). لذا از عوامل سقوط ساسانیان، در کنار شهوت‌رانی حداکثری آنها (کولسنیکف، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵) رویکرد مذکور (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰) ارزیابی می‌شود.

۵. هزینه‌های سرسام‌آور جنگ‌افروزی‌های ساسانیان

روحیه جنگ‌طلبی ساسانیان از ابتدای قدرت یافتنشان، منجر به جنگ‌های دنباله‌دار ایران و روم، و تا حدودی همسایگان دیگر ایران گردید. روحیه مذکور تا پایان سلطنت ساسانیان استمرار داشت.

دوره سلطنت برخی پادشاهان ساسانی مقارن ظهور اسلام، به صورت کامل در جنگ گذشت (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸؛ زرین کوب، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). حتی برخی از جنگ‌ها بیش از بیست و چهار سال به طول انجامید (۶۳۰-۶۲۷م) (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۱۴). مالیات‌ها و تلفات انسانی که بر اثر این جنگ‌ها بر مردم ایران تحمیل شد از غنایم و غارت‌های آن بسیار بیشتر بود (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۳). جنگ‌های خودساخته ساسانیان، ایران را فقیر و ویران کرد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰). وقتی جنگی آغاز می‌شد و پول در خزانه نبود، مالیات‌های سنگین علیه مردم ایران وضع می‌کردند و به عنوان خراج‌های فوق‌العاده و ضروری (به زور) از مردم اخذ می‌شد (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

(مفتخری، ۱۳۸۱، ص ۸۷). فشارهای اقتصادی بر توده مردم، سقوط ساسانیان را قطعی کرد (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۰۹).

۴-۲ روش‌شناسی ظلم مالیاتی، ثمره قشربندی اجتماعی جاهلی

ساسانیان که اسیر قوم‌مداری طبقاتی در حوزه‌های مختلف بودند، خود را برتر از دیگران می‌دانستند. از این رو، از هر ظلمی علیه طبقات محروم جامعه دریغ نداشتند و این حق را برای خود محفوظ می‌داشتند. مهم‌ترین درآمد ساسانیان، خراج ارضی و باج شخصی از طبقات پایین و توده مردم بود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۰۲؛ مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۷۷؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). دریافت و جمع‌آوری خراج، شامل نقد و جنس بود (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). غیر از تعدی مأموران وصول مالیات، دریافت آن از مردم، همیشه با اجحافات بسیار همراه بود (همان). به طوری که گاهی دریافت مالیات‌ها در یک سال به بهانه‌های مختلف از جمله جنگ‌طلبی ساسانیان (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷)، تکرار می‌شد (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷).

عجایب و نفایس دربار ساسانیان و ثروت‌اندوزی‌های گسترده آنها، همه از مالیات‌های سنگینی بود که زیر فشار و ظلم مأموران وصول، پرداخت می‌شد (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۵-۵۱۸). علاوه بر آن، تشدید بیدادگری بر همه رعایا از طریق افزایش مالیات‌ها (کولسنیکف، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). در کنار دریافت مالیات پیش از موعد، بر ظلم مالیاتی می‌افزود (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵-۲۴۶). حتی مالیات‌های مختص به زمین‌داران، از طبقه‌های پایین جامعه از جمله صنعت‌گران و اقلیت‌ها نظیر مسیحیان و یهودیان اخذ می‌شد (همان). فشارهای مالیاتی بسیار کمرشکن بود، به طوری که از عشر تا نصف برای مالیات ارضی از مردم دریافت می‌شد (همان). ساسانیان، خزانه دربار را از درآمد مردم فقیر و محتاج آکنده و پر می‌کردند (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰) و مالیات‌های سنگین و مکرر را از عامه اخذ می‌کردند (همان، ص ۲۷۷)؛ لذا ستون‌های ثروت‌اندوزی ساسانیان بر گرده مردم سنگینی می‌کرد (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۱۵).

در کنار اخذ مالیات‌های ظالمانه، با عناوین مختلف، مردم مجبور به اعطای هدایا به ساسانیان نیز بودند؛ نظیر دریافت هدایا از مردم در

در دوره سلطنت برخی پادشاهان ساسانی، بسیاری از جنگ‌ها با شکست ایرانیان همراه بود (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۲۰؛ فرای، ۱۳۸۰، ۵۳۶-۵۳۴)؛ لذا پیامدهای فسادانگیز بسیاری را به دنبال داشت. جنگ‌افروزی‌های ساسانیان، ایران را بی‌اندازه ضعیف و با سرعت تعجب‌آوری به طرف انحطاط برد (بیات، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹) و سقوط امپراطوری ساسانیان را سرعت بخشید (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۰۹)؛ لذا باعث انقراض سلسله ساسانی (بیات، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹) و پیش‌درآمد پیروزی‌های سپاه جزیره گردید (مفتخری، ۱۳۸۱، ص ۸۶). نتیجه اینکه، روحیه جنگ‌طلبی ساسانیان، ظلم فزاینده‌ای در حوزه اقتصادی به مردم تحمیل کرد؛ لذا به یکی از عوامل سقوط شاهنشاهی ساسانیان در ایران مبدل گردید (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ص ۳۰۲).

۶. فقر اجتماعی - اقتصادی مردم ایران

رویکرد طبقاتی در همه حوزه‌ها در ایران مقارن ظهور اسلام توسط ساسانیان تبلیغ و تأیید می‌شد؛ لذا نقش محوری در جامعه داشت و در حوزه اقتصاد نیز، دیدگاه غالب بود. در نتیجه عامه مردم، فقیر و محروم و اقلیت نجبا، صاحب اموال بودند (زرین کوب، ۱۳۷۵، ص ۲۱۲). نیاز به تکه نانی از ویژگی‌های آن دوره است (ساسان پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵). مشکلات اقتصادی طبقه عامه مردم را آزار می‌داد. بزرگ‌ترین قشر جامعه ساسانی، طبقه فرودست جامعه بود که فقرای جامعه ایران در آن جای داشتند (همان، ص ۲۴). گرچه برخی، نظام طبقاتی در ایران قبل اسلام را از مؤلفه‌های تمدنی مثبت ارزیابی می‌کنند (بیات، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴)؛ لیکن به نظر می‌رسد، تأکید بر نظام طبقاتی توسط ساسانیان از مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی در بُعد اجتماعی - اقتصادی است که در تمدن جاهلی ظرفیت ظهور می‌یابد (نیازی، ۱۳۹۷، ص ۷۶-۸۰).

رویکرد طبقاتی در حوزه اقتصاد در ایران مقارن اسلام به قدری وسعت کمی و کیفی یافته بود که فقر و محرومیت میان عامه مردم ایران به امری عادی بدل شده بود (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). طبقات فرودست از لحاظ محدودیت‌های سخت و امکانات مالی، حتی نمی‌توانستند یک زن (همسر) داشته باشند (رضی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۸۷). حتی زنان بیوه و یتیم‌های دوسره، اموالشان به صورت کامل مصادره و از حقوق قبلی خود محروم بودند (بارتلومه، ۱۳۳۷، ص ۵۳). فقر و فلاکت مردم آنقدر شدید بود که برخی اوقات ساسانیان اقدام به تقسیم وجه نقد میان آنها می‌کردند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۳)؛

مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۵۳؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶-۱۳۷). این در حالی بود که از سوی ساسانیان، اموال بسیار به بزرگان و نژادگان اهدا می‌گردید که گاه یک سوم از مالیات سالیانه را شامل می‌شد (همان). در مقام تاریخی هرچه به سقوط ساسانیان نزدیک می‌شویم، فقر و فلاکت مردم بیشتر می‌شود. علت آن، آزمندی بیشتر و علاقه به عشرت و تجمل بیشتر ساسانیان ارزیابی می‌شود (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰). با ورود سپاه جزیره به ایران، مردم، آیین تازه را در حکم دریچه نجات تلقی کردند (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۹۷-۹۵؛ زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۳۵؛ محمودآبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۹-۲۰).

می‌توان گفت همان‌طور که با ظهور اسلام در جزیره‌العرب، طیف مخالف اسلام غالباً از اشراف و طیف موافق اسلام غالباً از قشر متوسط اقتصادی و پایین جامعه بودند، بعد از ورود اسلام به ایران نیز گروندگان اولیه به اسلام، قشر متوسط اقتصادی و پایین جامعه بودند و طیف مخالف، درباریان بودند که برای حفظ سلطنت نابوده‌شده خود تلاش می‌کردند.

۷. جایگاه ژئواکونومیک (Geoeconomics) ایران مقارن ظهور اسلام

ایران راه تجارت بین یونان، روم، آسیای صغیر، بین‌النهرین، شامات و مصر از یک‌سو، و چین، هند و آسیای وسطی از سوی دیگر بود. لذا همه کاروان‌ها از دو طرف، باید از ایران یا ممالک تابعه ایرانی می‌گذشتند. نیز ایران، تولیدات زیادی برای (صادرات و واردات) تجارت داشت (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶). ایران، از مهم‌ترین مناطق ژئواکونومیک بود که ساسانیان می‌توانستند از این ظرفیت خدادادی (جاده ابریشم) در کنار استفاده از استعدادها و کم‌نظیر ایرانیان نهایت استفاده را کرده، مردم ایران را از فقر و فلاکت نجات بخشند. لیکن به دلیل کشورگشایی‌های بی‌حاصل، جنگ‌افروزی‌های خودخواهانه، عیاشی‌های همیشگی و تجمل‌گرایی حداکثری، تکوین پایگاه‌های انتسابی و نابرابری‌های رسمی و عدم اهتمام به اندیشه‌ورزی‌های اقتصادی (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۶۷)، از این فرصت کم‌نظیر اقتصادی استفاده نکردند. حتی در حوزه تجارت بحری نیز اقدامی صورت ندادند (همان)؛ لذا بیشترین ضربه اقتصادی را به کشور خاصه مردم ایران وارد کردند و اصولاً تجارت، همانند زراعت در ایران مقارن ظهور اسلام، نابود شده بود (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲).

۸. انحطاط صنایع

به صورت گسترده در ایران مقارن ظهور اسلام صورت می‌گرفت؛ تا جایی که مردم غالباً در فقر و فلاکت به سر می‌بردند و برای تکه نانی به شورش‌ها علیه ساسانیان می‌پیوستند. جنگ‌افروزی‌های ساسانیان نیاز به هزینه‌های سنگین داشت؛ لذا هزینه جنگ‌افروزی‌های آنها از طرق مختلف از مردم بیچاره اخذ می‌شد. رشد جنگ‌افروزی‌های ساسانیان در سده آخر دوره حکومت آنها قابل توجه است. در کنار انحطاط تجارت، صنایع نیز رو به نابودی بود.

در نهایت می‌توان گفت، هرچه به دوره پایانی حکومت ساسانیان نزدیک‌تر می‌شویم رویکرد مذکور در حیات ساسانیان پررنگ‌تر می‌شود. لذا ساسانیان، اقتصاد ایران را به بیماری مزمن جاهلیت آلوده کردند؛ به طوری که آثار آن در حیات اقتصادی مردم ایران به صورت فقر مطلق، ظهور و بروز پیدا کرد.

به دلیل انحراف‌های نامعقول در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، پس از آشنا شدن مردم ایران با دین اسلام، آن را با اشتیاق پذیرفته، از گزاره‌های جاهلی در ابعاد مختلف از جمله بعد اقتصادی رهایی یافتند.

پایین‌ترین سطح و جایگاه در نظام طبقاتی ساسانیان در حوزه معرفتی، مربوط به صنعت‌گران (= هوتخشان) بود، که در کنار کشاورزان (= واستر یوشان) قسمت پایین مخروط نظام طبقاتی ساسانیان را تشکیل می‌دادند (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۰۳). طبقه‌ای که موتور محرکه و عامل رشد کشور در حوزه اقتصاد، فرهنگ و هنر بود پایین‌ترین جایگاه اجتماعی و اقتصادی را در ایران داشت.

جریان فرهنگ‌ساز مزبور، در کنار ناملایمات اجتماعی، در معیشت و اقتصاد نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود (همان). ساسانیان با تحقیر و ظلم به طبقه کشاورز و صنعتگر، خطایی راهبردی در حوزه اقتصاد را مرتکب شدند و ایران را در سطوح مختلف ساخت و معرفت به سمت جاهلیت سوق دادند. فشارهای اقتصادی و فرهنگی ساسانیان علیه طبقه کشاورز و طبقه صنعتگر در حوزه ساختاری، منجر به تخریب بیشتر صنعت کشاورزی و صنایع شد. پس از نامهربانی‌های مذکور، ساسانیان، مهم‌ترین منبع درآمد خزانه شاه که کشاورزان و صنعتگران بودند را در خطر دیدند لذا به دنبال حل آن برآمدند. تبعیدهای اجباری طوایف در کنار تبعیدهای اجباری اسرا به شهرهای مختلف (همان، ص ۵۰۵) در راستای حل مقطعی مشکل مذکور بود که مفید واقع نشد.

نتیجه اینکه محروم‌ترین طبقه از حیث قدرت اجتماعی - اقتصادی در ایران مقارن ظهور اسلام، کشاورزان و صنعتگران بودند، که بیشترین فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه آنها از طرف ساسانیان اعمال می‌شد. لذا نتیجه اینکه کثرت ظلم و جور در ایران مقارن ظهور اسلام، توسط ساسانیان سبب انحطاط صنایع در ایران گردید (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲).

نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های سخت و نرم فرهنگ جاهلی در ایران مقارن ظهور اسلام در بعد اقتصادی همانند دیگر ابعاد، رویکرد غالب را تجربه می‌کرد. اجتماعی‌شدن ثروت‌اندوزی شاهان، انحطاط در بودجه کشور، نظم نوین قبیله‌ای و تسطح‌خونی، ظلم مالیاتی و روش‌شناسی قشربندی اجتماعی در کنار هنجارسازی پایگاه‌های انتسابی، برخی از موارد مذکور است.

هزینه‌ها و مخارج دربار از جیب مردم تهیه می‌شد. ظلم مالیاتی

رفیق یحیایی، تهران، کندوکاو.
 کوئن، بروس، ۱۳۸۳، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ پانزدهم، تهران، سمت.
 گیرشمن، رومن، ۱۳۸۸، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، چ نوزدهم، تهران، علمی و فرهنگی.
 محمودآبادی، سیداصغر، ۱۳۷۷، «بررسی مبانی سیاسی - ایدئولوژیک دو جامعه عرب و ایرانی مقارن ظهور اسلام»، *فرهنگ اصفهان*، ش ۱۰ و ۹، ص ۲۵-۱۴.
 مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۴، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
 —، ۱۳۸۹، *التنبیه و الاثراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی.
 مسکویه رازی، ابوعلی، ۱۳۸۹، *تجارب الأمم (آزمون‌های مردم)*، ترجمه ابوالقاسم امامی، چ دوم، تهران، سروش.
 مشکور، محمدجواد، ۱۳۶۹، *ایران در عهد باستان (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام)*، چ ششم، تهران، اشرفی.
 —، ۱۳۷۵، *تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه*، چ پنجم، تهران، اشراقی.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چ هشتم، قم، جامعه مدرسین.
 مفتخری، حسین، ۱۳۸۱، «اوضاع سیاسی، مذهبی ایران در آستانه ظهور اسلام»، *تاریخ اسلام*، ش ۱۰، ص ۸۱-۱۰۰.
 نویسندگان، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران کمبریج (جلد سوم) قسمت سوم ساسانیان*، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب.
 نیازی، سیدحامد، ۱۳۹۷، *مفهوم‌شناسی فرهنگ و تمدن*، قم، مؤلف.
 ویسهوفر، یوزف، ۱۳۸۰، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ چهارم، تهران، ققنوس.
 هوار، کلمان، ۱۳۶۳، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
 یعقوبی، احمدبن اسحاق، ۱۳۸۷، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چ دهم، تهران، علمی و فرهنگی.

منابع.....

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۲۶ق، *لسان العرب*، مراجعه و تدقیق یوسف البقاعی و دیگران، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 افتخارزاده، محمودرضا، ۱۳۷۷، *ایران آیین و فرهنگ*، تهران، رسالت قلم.
 بارتولومه، کریستین، ۱۳۳۷، *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه و ملحقات با مقدمه‌ای در تیپ‌شناسی حقوقی و روان‌شناسی جنسی ایران ساسانی، ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی تحقیقات خاورشناسان.
 باهنر، محمدجواد و اکبر هاشمی، بی تا، *جهان در عصر بعثت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 بیات، عزیزالله، ۱۳۶۸، *کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام*، چ سوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
 پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، ۱۳۷۰، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*، چ ششم، تهران، خیام.
 —، ۱۳۸۷، *تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه*، چ سوم، تهران، سمیر.
 پیرنیا، حسن، ۱۳۹۳، *ایران قدیم*، چ سوم، تهران، اساطیر.
 تاج‌الدینی، علی، ۱۳۸۲، *فرهنگ جاودان‌المیزان (فرهنگ اصطلاحات و تعابیر در آثار علامه طباطبائی)*، تهران، مهاجر.
 دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
 رضی، هاشم، ۱۳۸۱، *دانشنامه ایران باستان عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی*، تهران، سخن.
 زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، *روزگاران ایران (گذشته باستانی ایران)*، چاپ دوم، تهران، سخن.
 —، ۱۳۷۸، *روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی*، چ هفتم، تهران، سخن.
 —، ۱۳۹۲، *تاریخ مردم ایران*، چ چهاردهم، تهران، امیرکبیر.
 ساسان‌پور، شهرزاد، ۱۳۸۹، «فشریندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۵، ص ۲۰-۲۶.
 طبری، محمدبن جریر، ۱۳۶۲، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
 فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۶۸، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
 —، ۱۳۸۰، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
 قمی، حسن بن محمد، ۱۳۸۵، *تاریخ قمی*، ترجمه تاج‌الدین حسن خطیب، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
 کریستین سن، آرتور امانوئل، ۱۳۸۷، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، چ دوم، تهران، نگاه.
 —، ۱۳۷۴، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه مجتبی مینویی، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 کولسینکف، ا. ای، ۱۳۸۹، *ایران در آستانه سقوط ساسانیان*، ترجمه محمد